

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

یادآوری سه نکته‌ی مهم در ذیل بررسی آیه‌ی 84 نساء، دال بر مشروعیت جهاد ابتدایی؛

بحث در آیه شریفه 84 از سوره مبارکه نساء است؛ (فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسُكَ وَ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ اللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَ أَشَدُّ تَنْكِيلًا) در جلسه‌ی قبل عرض کردیم که در این آیه، چند نکته‌ی مهم وجود دارد؛

نکته‌ی اول:

ریشه کنی تهدید کفار تعلیلی برای جهاد ابتدایی است؛

غیر از مسئله اینکه آیه معلّل به این است که (عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا) و تعلیلی برای جهاد ابتدایی در آیه شریفه ذکر شده که مقصود خدای تبارک و تعالی این است که بَأْس کفار به طور کلی ریشه‌کن شود و این راهش فقط جهاد ابتدایی است.

نکته‌ی دوم:

اهمیت جهاد ابتدایی به حدی است که حتی بر شخص پیامبر به تنهایی واجب است؛

و همچنین جلسه‌ی قبل عرض کردم که مسئله‌ی جهاد ابتدایی آن قدر مهم است که خداوند متعال به پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: اگر دیگران هم نیامدند خودت به تنهایی اقدام کن، ما بیان کردیم اگر مقصود از این (فَقَاتِلْ) مسئله‌ی دفاع باشد، در این صورت دفاع یک نفر، اصلاً معنا ندارد تا بگوییم یک نفر به تنهایی برای دفاع برود، بلکه آنچه با این (فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) تناسب دارد این است که آنچه خود پیامبر بزرگوار اسلام(ص) به تنهایی مکلف به این تکلیف باشد، جهاد ابتدایی است و این را در بحث گذشته توضیح دادیم و نکاتی را بیان کردیم.

نکته‌ی سوم:

تبیین سه مطلب در مورد شان نزول در ضمن یک مثال؛

مجدداً در مورد شأن نزول آیه لازم است ابتدا مثالی برای تقریب به ذهن بزنم و سپس چند مطلب را متذکر شوم؛ در زمان خود ما یک کسی یک مرضی در بدنش هست، این شخص برای اینکه مرضش را معالجه کند به پزشک می‌رود و پزشک به او می‌گوید حالا باید به تو یک قرص مسکنی بدهیم تا این مرض فعلاً برطرف شود و این مسکن و موقتی است، اما اگر پزشک گفت که باید ریشه‌ی این بیماری از بدن شما خارج شود تا به صورت اساسی مشکل شما برطرف شود؛ حال درست است که این، یک مرضی بوده که برای این مطلب بهانه شده و ضمیمه شده و دکتر می‌گوید باید ریشه‌ی این بیماری را در بیاورید تا برای همیشه خیالت راحت باشد، و البته اینجا نیز، از این قبیل است. به تعبیر دیگر ما مکرر عرض کردیم که:

اولاً:

شأن نزول فقط نقش زمینه ساز است؛

شأن نزول فقط تا این اندازه دخالت در آیه دارد که فقط زمینه‌ساز باشد، اما اینکه ادعا شود تمام خصوصیات شأن نزول باید مراعات شود، چنین نیست؛ حالا اگر شأن نزول مربوط به مردان است، آیه بیاید راجع به زنان بگوید اشکالی ندارد، باید زمینه ساز باشد؛

ثانیاً:

برخی از آیات قرآن فاقد شأن نزول‌اند؛

و لو اینکه در جای خودش هم گفتیم، آیات قرآن بعضی‌هایش اصلاً شأن نزول ندارد، یعنی اینطور نیست که بگوییم از اول قرآن تا آخر قرآن هر آیه‌ای شأن نزول دارد، پس برخی از آیات قرآن، شأن نزول ندارد.

ثالثاً:

برخی از آیات قرآن چند شأن نزول قابل جمع دارند؛

بعضی از آیات قرآن دو سه شأن نزول دارند و می‌گوییم آنجا قابل جمع است، به این دلیل که شأن نزول فقط بستر و زمینه برای نزول این آیه و قانون کلی الهی است، مثلاً بسیاری از این قواعد کلی هستند که در قرآن مطرح شدند همانند **(وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ)** حج 78 که یک ضابطه و قاعده‌ی کلی را مطرح می‌کند، حالا شأن نزولش ممکن است یک قضیه‌ی خیلی ضعیفی هم بوده باشد و یا ممکن است شأن نزولش یک قضیه و حرج خیلی قوی باشد، حال آیا باید بگوییم چون شأن نزول این آیه، حرج قوی بوده پس این هم حرج قوی می‌شود؟ پاسخ این است که خیر، خصوصیات دیگر، در خود آیه دخالتی پیدا نمی‌کند.

بنابراین در مورد این آیه نیز، همین‌طور است، یعنی ما قبول می‌کنیم که شأن نزول آیه همین است که مسئله جهاد دفاعی بوده، اما منافاتی ندارد که خود آیه درباره‌ی جهاد ابتدایی باشد. به عبارت دیگر، خداوند متعال به پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: اینها از این نقشه‌ها می‌کشند، اما تنها راه از بین بردن و قلع و قمع کردن اینها این است که جهاد ابتدایی داشته باشید.

بررسی دو روایت ذیل آیه شریفه، دال بر مشروعیت جهاد ابتدایی؛

حال چند روایت در اینجا وارد شده که آنها را باید ببینیم، تا ان شاء الله نکاتی که در این روایات هست را یک مقدار توضیح

روایت اول:

روایت سلیمان بن خالد از امام صادق(ع)؛

اولین روایت را از تفسیر عیاشی جلد 1 صفحه 288 نقل می‌کنیم؛ البته روایات این کتاب، مرسل است، ولی سند بعضی از روایات آن، در برخی از کتب دیگر روایی ذکر شده... و برخی دیگر نیز، ذکر نشده است. حال به این روایت توجه فرمایید:

«عن سلیمان بن خالد» سلیمان بن خالد می‌گوید: «قال قلت لأبي عبد الله (ع) قول الناس لعلی (ع) إن كان له حقٌّ، فما منعه ان يقوم به؟» به امام صادق(ع) عرض کردم اینکه مردم به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) عرض کردند: «إن كان له حقٌّ فما منعه ان يقوم به؟» اگر حضرت علی(ع) حق دارد، نسبت به این ادعایی که ظاهراً دارد، چه چیز مانع شد که برای حقش قیام کند و حقّ خودش را بگیرد؟ «قال فقال» امام صادق(ع) فرمود: «إن الله لم يكلف هذا الا انساناً واحداً رسول الله(ص) قال فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» امام صادق(ع) از قول امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید که ایشان فرمود: در باب تکالیف موردی وجود ندارد که تکلیف فقط به یک نفر منحصر باشد، مگر در مورد خود رسول خدا(ص).

یعنی در مورد رسول خدا(ص) این آیه‌ی شریفه «فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لا تكلف الا نفسك و حرض المؤمنين فليس هذا إلا للرسول» صادر شده و این آیه فقط برای رسول خداست. بنابراین این روایتی که در ذیل آیه وارد شده، مؤیدی بر نظریه مختار است. چرا که در جهاد دفاعی همه‌ی افراد مکلف بودند و اختصاصی به رسول خدا(ص) و در آن بحثی نیست، ولی امام صادق(ع) در این آیه و روایت ذیل آن می‌فرماید: بر فرض اینکه دیگران هم برای جنگ نیایند، تنها جایی که باید یک نفر به جنگ برود، آن یک نفری که به تنهایی مکلف بوده تا به میدان جنگ برود، همان رسول خدا(ص) بوده است. لذا امیرالمؤمنین(ع) می‌خواهد بفرماید: در این قضیه، من مکلف به این موضوع نیستم که حقّ خودم را بگیرم، البته اگر عُدّه و عِدّه‌ای داشتم این کار را می‌کردم، ولی به تنهایی من تکلیفی برای گرفتن حقّ خودم ندارم. «و قال لغيره، الا متحرفا لقتال أو متحيزا إلى فئة فلم يكن يومئذ فئة يعينونه على امره».

پس آنچه که از این روایت می‌توانیم استفاده کنیم همین است، اینکه روایت می‌فرماید: «فليس هذا إلا للرسول(ص)» قرینه‌ی روشنی است بر اینکه این آیه دال بر جهاد ابتدایی است، زیرا جهاد دفاعی که به رسول خدا(ص) اختصاص ندارد، یعنی جهاد دفاعی هم برای رسول خداست و هم برای بقیه‌ی مؤمنین است. البته مجدداً باید متذکر شویم که در مورد این آیه، صرفاً نباید به شأن نزول تکیه شود، چرا که شأن نزول نمی‌آید بگوید حتماً باید آیه این گونه تفسیر شود، و در ما نحن فيه شأن نزول این آیه، هر چند مجرد قتال دفاعی است، ولی همین قتال بودنش، خود زمینه می‌شود که خداوند متعال مسئله‌ی قتال ابتدایی را در اینجا مطرح کند.

روایت دوم: روایت مرازم بن حکیم از امام صادق(ع)؛

در کافی شریف به اسناد خود نقل می‌کند «محمد بن يعقوب» کلینی(ره) «عن علي بن حديد عن مرازم ان الله كلف رسول الله(صلى الله عليه و آله) ما لم يكلفه أحداً من خلقه كلفه أن يخرج على الناس كلهم وحده بنفسه إن لم يجد فئة تقاتل معه و لم يكلف هذا أحد من خلقه قبله و لا بعده»

مرازم بن حکیم می‌گوید: «قال قال ابو عبد الله(ع) ان الله كلف رسول الله(ص) ما لم يكلفه أحداً من خلقه... قبله و لا بعده»،

خدای تبارک و تعالی رسول خدا(ص) را مکلف کرده به چیزی که احدی از خلق را مکلف نکرده و این خودش هم جهاد ابتدایی است. واقعاً اگر کسی بخواهد این را به جهاد ابتدایی معنا کند، هیچ تناسبی ندارد، حال آیا اینکه بگوییم این آیه در جهاد دفاعی است و فقط بر رسول خدا(ص) واجب است که به تنهایی به میدان برود و دفاع کند، با آیه تناسب دارد؟ یا اینکه بگوییم رسول خدا(ص) به عنوان جهاد ابتدایی به تنهایی به میدان برود، با آیه تناسب دارد؟ روشن است که دومی با آیه تناسب دارد. سپس «أَنْ يَخْرُجَ عَلَى النَّاسِ كُلِّهِمْ وَحْدَهُ بِنَفْسِهِ إِنْ لَمْ يَجِدْ فِتَّةً تُقَاتِلُ مَعَهُ» خداوند پیامبر(ص) را مکلف کرد که به تنهایی به میدان برود، اگر گروهی هم نبود تا همراه با آن گروه به جنگ برود، باز باید به تنهایی به جنگ برود. «وَلَمْ يُكَلِّفْ هَذَا أَحَدًا مِنْ خَلْقِهِ قَبْلَهُ وَ لَا بَعْدَهُ» نه قبل از این قضیه و نه بعد، خداوند دیگر چنین تکلیفی ندارد.

بنابراین، تمام اینها با جهاد ابتدایی سازگاری دارد؛ زیرا جهاد دفاعی خصوصیتی ندارد که خدا به رسولش بگوید که به تنهایی برود و دفاع کند، یعنی از این لحاظ خصوصیتی در جهاد دفاعی نیست که بگوییم قبل پیامبر(ص) نبوده و بعد ایشان نیز، چنین تکلیفی نبوده است، خیر چنین نیست! بلکه فقط جهاد ابتدایی از مختصات رسول خداست، حتی دلالت بر این دارد که معصومین دیگر هم این تکلیف را ندارند، لذا فقط بر رسول خدا(ص) تکلیف بوده که به تنهایی برود با کفار به عنوان جهاد ابتدایی جنگ کند.

یادآوری چهار نکته‌ی مهم از مباحث پیشین؛

به نظر می‌رسد لازم است در اینجا چند نکته از مباحث قبل تذکر داده شود:

نکته‌ی اول:

دفع شبهه‌ای پیرامون تعریف جهاد ابتدایی؛

اصطلاح فقهاء از زمان شیخ طوسی(ره) تا زمان ما چنین است که جهاد دفاعی دو مصداق برایش ذکر می‌کنند:

مصداق اول:

آنجایی که بالفعل کفار برای جنگ آمدند؛

مصداق دوم:

آنجایی که کفار در شهرشان علیه مسلمین توطئه می‌کنند.

حالا ما بگوییم جهاد ابتدایی در حقیقت دفاع از توحید است این برخلاف آن اصطلاح است، دفاعی یعنی دفاع از خود مسلمین، مسلمین اگر دفاع نکنند کشته می‌شوند، اینکه نیاز به شرع هم ندارد، اگر یک کسی به انسان حمله کرد و بخواهد انسان را بکشد، انسان فطرتاً دفاع می‌کند و نیازی به تشریع ندارد، لذا این اصطلاح را به نظر من در این بحث اصلاً نباید آورد، یعنی اصلاً بحث را به طور کلی دگرگون می‌کند، ما باید بر طبق اصطلاح قوم پیش بیاییم.

نکته‌ی دوم: دفع شبهات منکرین وجود جهاد ابتدایی در اسلام؛

آن وقت بعد برسیم به اینکه چون در جلسات گذشته ما عرض کردیم نادری از افراد که فقاہتشان هم قابل تأیید نیست، آمدند گفتند ما اصلاً در اسلام و در قرآن چیزی به نام جهاد ابتدایی نداریم و تمام جنگ‌های رسول خدا(ص) را گفتند دفاعی بوده، بعداً

می‌گوییم برخی گفتند دو سه تا از جنگ‌های رسول خدا(ص) ابتدایی بوده، گفتند تمام آیاتی که در قرآن هست جهاد دفاعی است، ما برخی از آیات را قبلاً بحث کردیم، از جمله آیه (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً) یک بحث‌های خیلی مفصلی داشت که به خوبی از آنها جهاد ابتدایی را استفاده کردیم.

نکته‌ی سوم: تبیین اهمیت جهاد ابتدایی؛

این قدر دین اسلام مهم است که اگر رسول خدا(ص) هم جانش را برای دین بدهد، مانعی ندارد، ما در مورد امام حسین(ع) که ... یکی از حرف‌هایی که بزرگان ما فرمودند و در روایات ما هم دارد و در کلمات ائمه(ع) است، این است که واقعاً قضیه‌ی عاشورا، ما را متوجه دین کرد، یعنی دین اینقدر مهم است که انسان همه چیزش را باید فدا کند، جان معصوم(ع) هم باید فدا شود و جان رسول خدا(ص) هم باید فدا شود. آری جهاد ابتدایی به عنوان یک حکم الهی خیلی مهم است.

نکته‌ی چهارم:

تبیین محل نزاع در بحث جهاد ابتدایی از دو جهت؛
در بحث جهاد ابتدایی بیان شد که محل نزاع از دو جهت پی‌گیری می‌شود:

جهت اول:

آیا آیاتی در قرآن بر جهاد ابتدایی دلالت دارد؟

ما باشیم و آیات قرآن، آن شخصی که به امام باقر(ع) عرض کرد این (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً) از این آیه سؤال کرد که ما آن روز گفتیم محمد بن مسلم آدمی نبود که معنای آیه را بلد نباشد بلکه دنبال این بود که آیا ما هم در زمان خودمان مکلف به این آیه هستیم یا نه؟ که امام باقر(ع) فرمود: «إِنَّمَا رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِحَاجَتِهِ وَحَاجَةِ أَصْحَابِهِ» پس این بحث‌ها را نباید با هم مخلوط کنیم، یک بحث این است که آیا قرآن تکلیف واجبی که انشاء شده باشد به نام جهاد ابتدایی دارد یا ندارد؟ ما فعلاً بحث‌مان در همین مرحله است که آیا آیاتی داریم که خدای تبارک و تعالی بفرماید: مسلمان‌ها ولو کفار نیایند به شما حمله کنند، ولو کفار در شهرشان هم توطئه علیه شما نکنند، ولی شما برخیزید با شریطش، قدرت داشته باشید و یکی از شرایطش این است که احتمال غلبه، قوی باشد نه اینکه بروید خودتان به طور کلی از بین بروید، برخیزید بروید اگر قدرتی پیدا کردید این کار را انجام بدهید، اسلام را به آنها عرضه کنید یا بپذیرند یا اگر نپذیرفتند باید کشته شوند. تمام کتب فقهی ما از اول تا حالا مشمول از این فتواست. ما گفتیم قرآن هم به خوبی دلالت دارد، این یک بحث است.

جهت دوم:

آیا تکلیف جهاد ابتدایی در هر زمانی منجز است؟

این است که آیا این تکلیف در هر زمانی منجز است؟ در هر زمانی فعلیت دارد؟ چه اینکه ما در دو جلسه‌ی گذشته یک احتمالی را بر حسب آن روایت معتبری که خواندیم، دادیم و سند آن روایت را نیز، مفصل گفتیم سند معتبری داشت، در آنجا گفتیم که از روایت محمد بن مسلم می‌توانیم استفاده کنیم که پیامبر اکرم(ص) یک ترخیصی داده تا زمان ظهور حضرت حجت(عج)، چون وقتی امام باقر(ع) ترخیص را برای محمد بن مسلم نقل می‌کند یعنی «الترخیص الآن موجوداً ایضاً»، بعد هم موجود است تا زمان ظهور حضرت قائم(عج)، ترخیص در ترک است، نه اینکه بگوییم ریشه را بزنیم و بگوییم چیزی به نام جهاد ابتدایی نداریم

و آن وقت این بحث یک چیز خیلی خوبی می‌شود می‌گوییم: «فی زماننا هذا»، ولو در زمان خود معصوم ترخیص در ترک داده شده. مثلاً در قضیه‌ی صلح حدیبیه هم همینطور بوده آن موقع پیامبر(ص) مصلحت دیدند که با کفار صلح کنند، ما اگر گفتیم رسول خدا(ص) با کفار صلح کرد. به تعبیر دیگر اینکه برخی نتیجه بگیرند که در اسلام، چیزی به نام جهاد ابتدایی نداریم، این صحیح و فنی نیست، این بحث علمی مطابق با موازین علمی نیست، چه اینکه:

اولاً:

ما از آیات متعدد در قرآن جهاد ابتدایی را در می‌آوریم، یک. این «تکلیف ثابت فی القرآن».

ثانیاً:

شما ببینید در همان روایت دارد «لم يجد تأويل هذه الآية» چقدر تعبیر خوبی بود؟ در مورد آیه **(وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً)** نیز امام باقر(ع) به محمد بن مسلم فرمود: تأویل این آیه نیامده که ما همان جا گفتیم مراد از آن چیست.

علی‌ایّ حال بحث ما در سلسله‌ی این مباحث این است که آیا در اسلام چیزی به نام جهاد ابتدایی داریم یا خیر؟ آن وقت آیا «رخص فی ترکه ام لا»؟ آیا در انجامش حضور معصوم(ع) شرط است یا خیر؟ فقهای ما را ببینید از اول تا حالا 98 درصدشان گفتند حضور معصوم(ع) شرط است، از مواردی که حتی خود امام خمینی(ره) با اینکه قائل به مسئله ولایت مطلقه‌ی فقیه بودند، اما نظرشان این بود که باید در جهاد ابتدایی، معصوم(ع) حضور داشته باشد، بنابراین اینها بحث‌های دیگری است که به دنبال این بحث مطرح می‌شود، حالا این روایت هم در اینجا خواندیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين